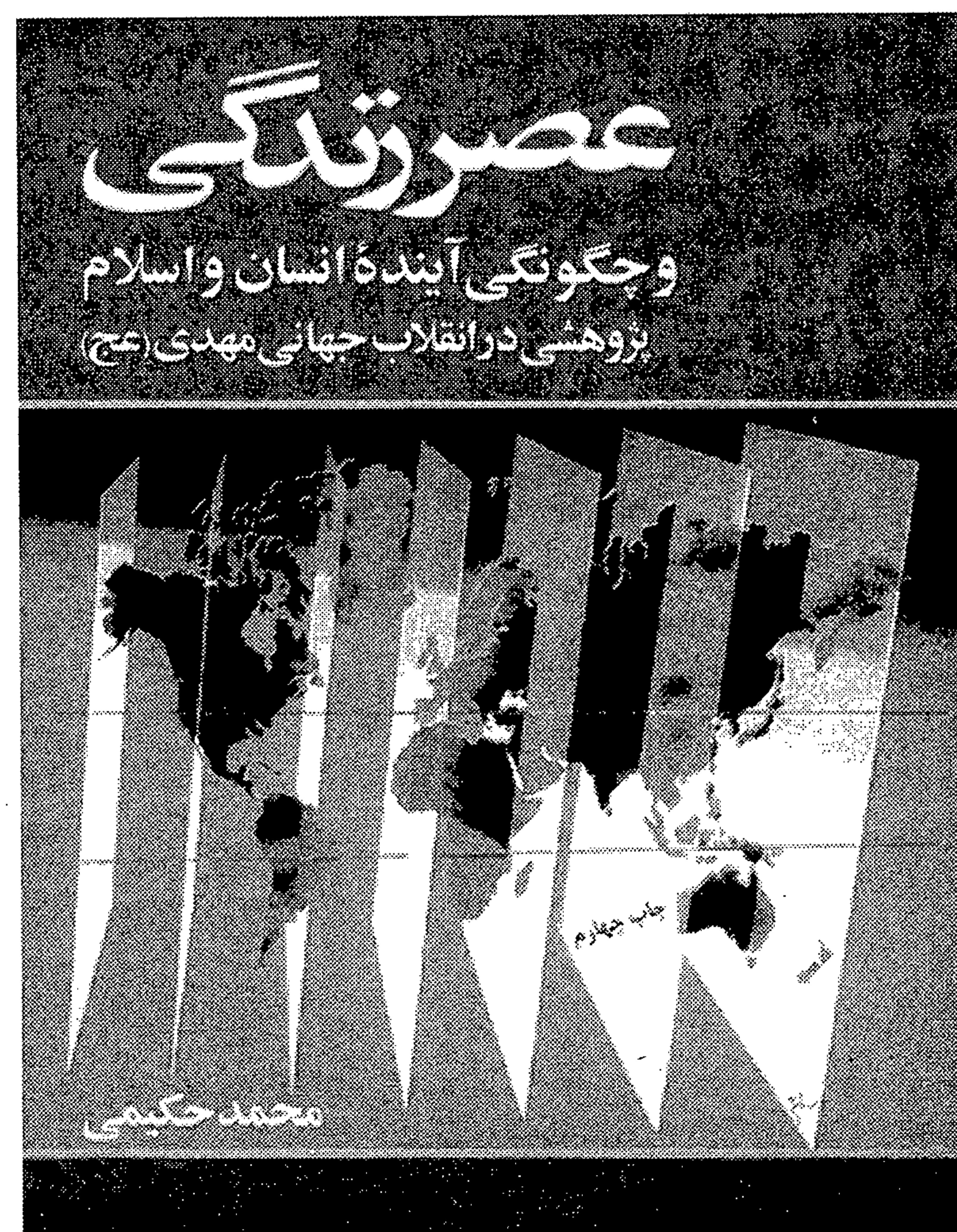


نقد کتاب

معرفی و بررسی کتاب عصر زندگی

اثر: محمد حکیمی
● محمد صابر جعفری



مطالعه و نقد و بررسی کتاب‌هایی که در مقوله مهدویت به رشته نگارش درآمده، از جمله مواد درسی «مرکز تخصصی مهدویت» است. همایش برترین‌های «مهدویت» در دهه هفتاد، فرصتی بود که کتاب‌های این مقوله، در گروه‌های مختلف مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. کتاب «عصر زندگی» به دلیل کسب رتبه چهارم کتاب‌های برگزیده این دهه، در رشته پژوهشی - تحلیلی در میان ۱۱۷ عنوان، انگیزه‌ای ایجاد کرد که آن را به طور لجدی مورد مطالعه و بررسی قرار ذهیم.

آنچه در ذیل می‌آید، معرفی و نقد و بررسی این کتاب و بیان شایستگی‌ها و کاستی‌های آن است. امید است این کار، گامی هر چند کوچک، در مسیر بالندگی کتاب‌های مهدویت و آگاهی افزون‌تر رهروان این راه باشد.

نظر

نقد کتاب عصر زندگی

۳۶۱

گزارشی کوتاه از کتاب

مسئله بشریت، پس از سرخورده‌گی‌ها، مسئله آینده است و این آینده است، که با هر تفسیری ارائه گردد و با هر نظریه‌ای توأم آید، برای انسان و ظایفی رقم می‌زند و ناخودآگاه بر عهده او می‌گذارد. طبق ترسیم و تبیینی که اسلام - به ویژه مکتب تشیع - در پاسخ به سرخورده‌گی‌ها و ناامیدی‌ها، ارائه می‌دهد، آینده‌ای روش، زیبا و ساحلی زندگی‌زا در انتظار بشر است؛ بشری که در میان یأس و سرخورده‌گی و ظلم و ستم، هنوز طعم حیات و زندگی را نچشیده است. و این بشارت، بیانگر حکومت حضرت مهدی(عج) است که روح افزا، حیات بخش و «عصر زندگی» است. این دوران و اقدامات و برنامه‌های آن حضرت، دارای ویژگی‌هایی است که جناب آقای محمد حکیمی، با هدف تبیین بخشی از آن در کتاب «عصر زندگی» (در ۳۱۰ صفحه و بیست بخش) بدان‌ها پرداخته است. مطالعه این کتاب ارزشمند، به عموم مردم به ویژه قشر تحصیل کرده و فرهیخته - توصیه می‌شود! آنچه در کتاب آمده، به شرح ذیل است:

بخش اول: عدالت اجتماعی

بشر از ظلم و ستم و تبعیض‌ها به سته آمده و «عدالت» از مهم‌ترین رسالت‌های منجی عالم بشریت است که در روایات مورد تأکید فراوان می‌باشد. در این بخش، به معانی عدل و قسط پرداخته و به نمونه‌هایی از شیوه‌های اجرای عدالت الهی در حکومت حضرت مهدی(عج) اشاره شده است. هم‌چنین اثرات آن در تمام ابعاد زندگی مورد بررسی قرار گرفته و تأکید شده که اصل عدالت در ریز و درشت مسائل، عملی می‌شود و حتی در درون خانه‌ها، قانون عدل حاکم می‌گردد. در آن دوران، نخست از کارگزاران و دست‌اندرکاران و همه مجریان امر، خواسته می‌شود که به موازین عدالت پایبند باشند و بدان عمل کنند. راهیابی و نفوذ عدالت در درون روح افراد و برقراری عدل و تعادل اخلاقی و تربیتی در میان توده مردم، از ابعاد مهم و زیربنایی در ساختن جامعه عادلانه

است که در آن روزگار روی می‌دهد.

بخش دوم: در سایه شمشیر

برقراری عدالت اجتماعی، بدون کارشکنی‌های بزرگ و مخاطره‌آمیز و ویرانگر انجام نخواهد یافت. بنابراین، راهی جز زدودن موافع نیست؛ لذا قیام امام زمان (عج) به ناچار با جهاد و مبارزه همراه است. آری، از شمشیر امام عصر (عج)، برای خون آشامان پست، درندگان متمدّن و ابرقدرتان نا انسان، خون و مرگ و برای انسانیت دردکشیده خرد شده، رحمت و حیات می‌بارد. گفتنی است، اسلام جنگ را نه به عنوان هدف و آرمان؛ بلکه به عنوان راه و وسیله برای تحقق هدف پذیرفته است.

بخش سوم: تدارک جنگ و تربیت جنگاوران

پس از ذکر لزوم جنگ در بخش پیشین، در این بخش به چگونگی تربیت جنگاوران و تعداد یاران امام زمان (عج) پرداخته شده است؛ چرا که راه دستیابی به عدل، جنگ و پیکار با مخالفان و معاندان لجوچ است و این مهم بدون تدارک و تربیت افراد مبارز ممکن نمی‌نماید. بنابراین دستیاران اصلی قیام و انقلاب، در دوران پیش از ظهور، به هدایت عام و خاص حضرت مهدی (عج) تربیت می‌شوند.

بخش چهارم: قاطعیت

یکی از ویژگی‌های امام عصر (عج) و حکومت ایشان، قاطعیت و سازش ناپذیری است. آن حضرت توبه ریا کارانه را نمی‌پذیرد؛ از هیچ مقام و قدرتی نمی‌هراسد؛ بدون هیچ ملاحظه‌ای تبه کاران را کیفر می‌کند و صالحان زاهد و ساده زیست و بی‌آلایش را در مصادر امور می‌گمارد.

بخش پنجم: تصحیح انحراف‌های فکری و توجیهی

یکی از برنامه‌های امام زمان (عج)، از بین بردن همه تحریف‌ها و نشان دادن چهره واقعی اسلام به جهانیان است. از این رو، نویسنده پس از ذکر مبارزه با دشمنان عنود در

بخش‌های گذشته، در این بخش به پیکار با کج فهمی‌ها و کج اندیشان پرداخته و ستیز امام عصر(عج) با عاملان تحریف‌ها و بدعت‌ها را، مطرح کرده است.

بخش ششم: وحدت عقیدتی

از نظر نویسنده، اختلاف در مبانی جهان‌بینی، موجب ناسازگاری انسان در محیط اجتماعی است. از این رو در دوران حکومت عدل مهدوی(عج)، جهان‌بینی واحدی بر جهان حاکم می‌گردد و راه و روش و برنامه‌ها یکی گشته و یکپارچگی واقعی در عقیده و مرام پدید می‌آید.

بخش هفتم: رفاه اقتصادی و معیشتی

پس از استقرار حکومت جهانی امام زمان(عج)، اقتصاد شکوفا شده، بشریت به طور کامل به رفاه اقتصادی و بی‌نیازی دست می‌یابد.

در سایه حاکمیت قرآنی، محمدی و علوی امام مهدی (عج) و با اجرای اصل عدالت اجتماعی - که سیره انکارناپذیر آن امام بزرگ است -، تمام نابسامانی‌ها، سامان می‌یابد و نیازها برآورده می‌گردد. رفاه اقتصادی و آسایش معیشتی بر تمام بخش‌ها و زوایای زندگی بشر پرتو می‌افکند. بدیهی است این همه، با امور ذیل تحقق می‌یابد:

۱. برقراری عدالت اجتماعی،
۲. اجرای اصل مساوات،
۳. عمران و آبادی زمین،
۴. پیشرفت فنون،
۵. باران‌های مفید و پیاپی،
۶. برنامه‌ریزی درست و از یک نقطه،
۷. بهره‌برداری از معادن و منابع زیرزمینی،
۸. بازپس‌گیری ثروت‌های غصب شده،

۹. استفاده از همه اموال،^۲

۱۰. کنترل و نظارت دقیق مرکزی.

بخش هشتم: مساوات

از مهم‌ترین اقدامات حضرت، اجرای مساوات در تمام شؤون زندگی بشر است؛ یعنی: مساوات در نظام تکوین و آفرینش؛ در برابر قانون؛ در بهره‌برداری از موهبت‌های طبیعی؛ در تقسیم بیت‌المال و مطرح بودن مساوات به عنوان نوعی مسؤولیت اجتماعی.

بخش نهم: حاکمیت فراگیر جهانی

در این بخش، نویسنده با بررسی روایات مربوط به حکومت امام زمان(عج)، به اثبات فراگیر و جهانی بودن حکومت آن حضرت(عج) پرداخته و نوشته است که بر سر راه چنین آرمانی عظیم، دو مانع بزرگ وجود دارد:

۱. عوامل سلطه و استکبار جهانی،

۲. عقب‌ماندگی فرهنگی و نبود تربیت درست انسانی.

این دو عامل، در آن دوران و به دست باکفایت امام مهدی(عج) ریشه کن خواهد شد.

بخش دهم: حکومت مستضعفان

در جامعه و نظامی که امام مهدی(عج) بنیان می‌نمهد، زمام همه امور در دست مستضعفان است. آنان حکم می‌رانند و به اداره جامعه می‌پردازند. آری، حاکمیت مستضعفان، از شاخه‌های اصلی اجرای عدالت مطلق است.

بخش یازدهم: آیین و روش جدید

از آن جایی که پیش از ظهور، بیشتر احکام تعطیل یا تحریف شده است، با اجرای برنامه‌های واقعی اسلام از سوی حضرت ولی عصر(عج)، مردم می‌پندارند که آن حضرت

آیین و روش جدیدی آورده است.

بخش دوازدهم: رشد عقلی و تکامل علم

در سایه آموزه‌های امام زمان (عج)، عقل بشر به تکامل می‌رسد و علومی بی‌سابقه تحصیل می‌کند. آن حضرت از حقایق گسترده و جهانی، پرده بر می‌دارد و شناخت‌های ناب و خالص را به ارمغان می‌آورد. با توجه به روایات، دانش‌ها و شناخت‌های بشری، پیش از دوران تکامل علم و عقل، نسبت به دوران ظهور، بسیار ناچیز محسوب می‌شود.

بخش سیزدهم: امنیت اجتماعی

نویسنده در این بخش، به یکی دیگر از اقدامات آن حضرت (امنیت اجتماعی و نقش آن در جوامع) اشاره کرده، می‌نویسد: امام مهدی (عج) پدید آورنده امنیتی است که بشریت در تمام دوران تاریخ خود، مانند آن را ندیده است. همه معیارها و ضوابط غیر انسانی و نادرست را کنار زده و علل و عوامل دلهره، نگرانی، و ترس را نابود می‌کند. در نتیجه دارالسلام و جامعه‌ای امن و زندگی آرام و آسوده‌ای که نمونه زندگی در بهشت جاوید است، نصیب انسان می‌گردد.

بخش چهاردهم: رشد تربیت انسانی

از برنامه‌های امام عصر (عج)، به کمال رسانیدن انسان از نظر روحی و اخلاقی است. توضیح این مطلب و راهکارهای آن در این بخش بیان شده است.

بخش پانزدهم: اصول بیعت

از اقدامات حضرت مهدی (عج) اخذ بیعت و بستن عهد و پیمان با یاران است. این پیمان و بیعت بر اصول ذیل مبتنی است:

۱. احترام به ارزش انسان،
۲. احترام به حقوق انسان‌ها،
۳. دادگری و عدالت گستری،

۴. دوری از هرگونه مال اندوزی،
 ۵. دوری از ظلم،
 ۶. ساده زیستی،
 ۷. ایثار،
 ۸. پذیرش زندگی دشوار و خاکی.
- خود آن حضرت نیز - که تجسم حق و عدل و منزه از گناه و ترک اولی است - با آنان عهد می‌بندد که به این اصول عمل کند.

بخش شانزدهم: وضع معابد
 حضرت مهدی(عج) در دوران حکومت خویش، مساجد و معابدی که مدنظر اسلام نباشد، ویران ساخته، از هرگونه تجمل و اشرافی‌گری در مساجد جلوگیری می‌کند.

بخش هفدهم: سامان‌یابی زندگی
 نویسنده در این بخش، به اصلاحات آن حضرت، در مقابل انحرافات جامعه اسلامی - که در دوران پیش از ظهور رخ داده - می‌پردازد و انحرافات ذیل را مطرح و مورد بحث قرار می‌دهد:

۱. انحراف در معیارها برای شناخت حق،
۲. گسیختن روابط انسانی و روابط خانوادگی،
۳. انگیزه‌های غیر انسانی و روابط سود جویانه و استثماری،
۴. حاکمیت معیارهای سرمایه داری (نظیر پول پرستی، مستی ثروت، ثروت‌اندوزی، رباخواری و...)،
۵. تضییع عبادت،
۶. جدایی و تفرقه،
۷. کنار گذاشتن اصول و چنگ زدن به فروع.

بخش هجدهم: انتظار

امید به «تداوم حیات»، به زندگی کنونی معنا و مفهوم می‌بخشد و پویایی و نیروی لازم برای ادامه آن را تأمین می‌کند. از این رو ماهیت زندگی با انتظار پیوندی ناگستینی دارد. جامعه متظر، با انتظاری راستین و صادقانه، دست کم می‌تواند در حوزه خود، مشکلات و نابسامانی‌های مردمی را بر طرف کند و خواسته‌ها و آرمان‌های امام موعود را، در محیط خویش تحقق بخشد.

آنچه در این بخش، مورد بررسی قرار گرفته مفهوم صحیح انتظار، اثر و ویژگی‌های آن، وظایف منتظران و اموری دیگر، (مانند انتظار و رأفت امام) است که در پاره‌ای از روایات، مهربانی و احساس لطیف و عمیق امام همچون برادر یا مادری مهربان نسبت به فرزندان خردسال دانسته شده و امام مهربان‌تر و رحیم‌تر از خود افراد به آنان و در شادی‌ها و تلخی‌های زندگی، شریک آنان معرفی شده است.

بخش نوزدهم: سیره عملی و روش شخصی امام عصر(عج)

امام مهدی(عج)، مانند همهٔ پیامبران و رهبران راستین و شایسته‌الله، بسیار ساده زیست است. با آسایش و تن آسایی، هیچ آشنایی ندارد. و در سطح پایین‌ترین طبقات؛ بلکه دشوارتر از آنان زندگی می‌کند. او تجلی دوباره زندگی پیامبر اکرم ﷺ و امام علی علیهم السلام و دیگر امامان علیهم السلام است.

بخش بیستم: تداوم راه پیامبر ﷺ

راه و روش امام مهدی(عج)، راه و روش پیامبران است؛ اما از آن جا که شکل نهایی جامعه‌های ترسیم شده در ادیان و اسلام، تحقیق نیافته و به غینیت ملموس در نیامده است؛ نوید پدید آمدن آنها در آینده داده شده است.

روش‌ها و اقدام‌ها و برنامه‌های امام موعود، از امیدآفرین‌ترین بخش‌های تعالیم اسلام است که از فرجام خوش تاریخ و سرانجام دلپذیر و آرمانی زندگی انسان، سخن گفته و مژده آن را داده است.

نویسنده در این بخش، با اشاره به مفهوم «بقیة الله» و «ذخیرة الله»، امام زمان(عج) را تنها یادگار همه پیامبران و اولیاء؛ وارت معارف و تعالیم آنان؛ مجری سازش ناپذیر آن و عینیت بخش اصول و آرمان‌ها و تعالیم آنها معرفی کرده است.

نقد و بررسی

نویسنده، در میان موضوعات مطرح درباره حضرت مهدی(عج)، موضوعی را برگزیده که کار آمد، به روز، عطش‌آفرین و تاحدی دارای سخنی تازه در مسائل اجتماعی و سیاسی عصر حاضر است. آنچه کتاب در تمام بخش‌ها به آن می‌پردازد، «عدالت اجتماعی» است؛ موضوعی که جهان‌تشنه آن است چرا که جهان‌تشنه عدالت است و عدالت‌تشنه مهدی (عج).

مطالبی که در این کتاب مطرح شده، تا حد زیادی کاربردی است و مخاطب را به تأمل و امیداردن. تنوع مباحث بر اهمیت کتاب می‌افزاید، خصوصاً این که این امور با ارائه مطالب آماری و علمی روز (در پانویس کتاب) ذکر شده است.

سعی نویسنده بر آن بوده که مسائل را با نگاه روز بنگرد و احساس تشنجی را از همان آغاز - ولوباعنوان کتاب «عصر زندگی» - به خواننده متذکر شود. او کوشیده مباحث را به صورتی تحلیلی با کمک گرفتن از آیات و روایات فراوان و تبیین و تفسیر آنها، ارائه دهد؛ به گونه‌ای که در هر موضوع، بستر طرح آیات و روایات فراهم گشته، آن گاه با ذکر و تحلیل آن، موضوع برای مخاطب روشن می‌شود.

مؤلف با استفاده از حدود سیصد نمونه از آیات و روایات در کتاب حدود سیصد صفحه‌ای خویش، خواننده را به سخن امروزی داشتن آیات و روایات و تأمل در آنها فرا خوانده است.

«عصر زندگی» می‌کوشد با تحلیل‌های نسبتاً مناسب، در بخش‌های متفاوت کتاب، به بعضی از بیماری‌ها و آفات اخلاقی یا اجتماعی بشر و مشکلات و آسیب‌های جریانات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... پیش از ظهور بپردازد و علت پیدایش آن را ذکر و راه

بر طرف شدن آنها را نیز توضیح دهد. از این رو نمونه‌های ذیل رخ می‌نماید:

۱. آثار اجتماعی دروغ، کینه‌توزی، آزمندی، مال اندوزی و... و چگونگی از بین رفتن آنها در عصر زندگی؛
۲. مصلحت زدگی و تأثیرپذیری از تبلیغات دشمنان داخلی و خارجی و چگونگی محو آن در حکومت امام عصر(عج).
۳. هشدار درباره جریان‌هایی که پس از هر انقلاب پدید می‌آیند و نحوه مقابله حضرت مهدی (عج) با آنان؛
۴. هشدار درباره آسیب‌های یک انقلاب؛ (نظیر کسانی که پس از انقلاب، وظیفه و مسؤولیت را به عنوان پست بنگردند)؛
۵. بی‌عدالتی و چگونگی راه‌یابی و نفوذ عدالت در درون روح افراد و برقراری عدل و تعادل اخلاقی و تربیتی در میان توده‌ها و... گویا عصر ظهور بادوره پیش از ظهور مقایسه می‌شود. هشدار از سویی و الگو از سوی دیگر.

از موارد مثبت دیگر، این است که نویسنده، جریان مبارزات، و سختی‌ها و شیرینی‌های دوران پس از ظهور و حکومت حضرت مهدی(عج) را امری خارق العاده و دور از دسترس قلمداد نکرده؛ بلکه به طبیعی بودن مشکلات و مسائلی که در مقابل هر انقلاب و حکومتی - مخصوصاً انقلاب و حکومت دینی - قد علم می‌کند، پرداخته است؛ یعنی، حضرت مهدی(عج) نیز، مانند همهٔ پیامبران و امامان علیهم السلام، درگیر مشکلات و مسائلی خواهد بود و حکومت ایشان نیز روالی طبیعی داشته و بر مجرى واقعیت است.

گرچه امدادهای غیبی نیز نفی ناشدنی است. مؤلف این مسائل را در مطالبی نسبتاً مرتبط مطرح می‌کند و با اشاره‌ای تطبیقی به حکومت پیامبر علیهم السلام و حضرت علی علیهم السلام، خوانندگان را با نوع حکومت امام زمان(عج)، آشنا می‌سازد.

وی مشکل اساسی بشر را، یأس و سرخوردگی و «عصر زندگی» را امیدی فرا روی بشر می‌داند و در این میان مسئله «انتظار»، را بسیار خوب مطرح کرده است و منتظر را به فضای انتظار کشانده، احساس صمیمانه‌ای بین او و امامش برقرار ساخته است.

نویسنده به دنبال گشودن دریچه امید به فردای باطراوت برای بشریت گرفتار یأس و سرخوردگی است که با ظهور مهدی موعود(عج) تحقیق خواهد یافت و برای این کار، مطالب ارزشمند و وزینی ارائه می دهد؛ لکن این کتاب -به رغم نقاط مثبت و ویژگی های مطلوب و ارزشمند- از برخی جهات مورد کم توجهی واقع شده است. اگر جهات زیر مورد توجه بیشتر مؤلف محترم و اندیشمند قرار می گرفت، و کاستی های موجود در آن بر طرف می گردید، بر قدر وزانت آن افزوده می شد:

۱. حقیقت زندگی،
۲. تحلیل های یک سویه، ناقص و ناصواب،
۳. وحدت عقیدتی،
۴. روحانیت،
۵. مالکیت،
۶. مهربانی،
۷. عدم تبییب مناسب،
۸. عدم بررسی سندی روایات و استفاده از روایات غیر معتبر،
۹. استفاده از منابع غیر مرجع،
۱۰. عدم دقّت در نقل،
۱۱. اشتباهات در ترجمه،
۱۲. اشتباهات در اعراب،
۱۳. اشکال های ویرایشی و نبود یک فهرست جامع (آیات، روایات و...).

۱. حقیقت زندگی

«عصر زندگی» چیست؟ آیا به راستی عصر زندگی، عصری است که در عدالت اجتماعی و رفاه اقتصادی و... خلاصه شود؟ آیا گمشده های انسان همین ها است؟ در حالی که برای به دست آوردن آنها لزوماً نیازی به امام نیست و چه بسابتawan در آینده به آن

رسید و این که تاکنون نرسیده‌ایم، دلیل بر این نیست که از این پس هم نمی‌توان رسید. به راستی اگر کشوری در قلمرو خویش توانست به همهٔ اینها برسد، آیا دیگر دغدغه‌ای ندارد و امام معصومی نمی‌خواهد؟

مؤلف، اشاره‌وار، عصر زندگی را عصر شکوفایی و به فعلیت رسیدن استعدادهای انسان می‌داند؛ اما اگر خواننده بخواهد تلقی ایشان را از این شکوفایی دریابد به سادگی پی می‌برد که آن چه از سوی ایشان به عنوان جلوه‌های این شکوفایی طرح شده است، رفاه و عدالت است و امنیت و... و اگر مسئلهٔ تربیت انسانی نیز طرح شده، در برابر آن بحث‌های مفصل و طولانی، واقعاً به هیچ بیشتر شباهت دارد لیکن براساس معارف بلند اسلامی، عصر زندگی، عصر رویش انسان و جهت عالی یافتن استعدادهای آدمی است **﴿وَهَيْئَ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رُشْدًا﴾**^۴ عصر زندگی، زمان برداشتن تمامی غل‌ها و زنجیرها از دست و پای آدمی است. **﴿وَيَضْعُ عَنْهُمْ أَصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالُ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾**^۵.

عصر زندگی، عصر حکومت فرآگیر معصوم و دوران حضور و درک رهبری است که می‌خواهد آدمی را تا قرب خدا پیش برد. قلمرو حکومت او، نه دنیا، که هستی است و اهداف حکومتش نه رفاه و آزادی و امنیت، که عبودیت انسان‌ها است. طرح این اهداف کوتاه، به عنوان اهداف نهایی برای انسانی که به شهادت استعدادهای عظیمش، بزرگ‌تر از هستی است، از سوی صالح پیامبر (۲۵۰۰ سال قبل از پیامبر اسلام) مورد بازخواست قرار گرفته است. **﴿إِنَّمَا يَنْهَا هَيْنَا آَمْنِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعَيْوَنٍ وَزَرْوَعٍ وَنَخْلٍ طَلَعُهَا هَضِيمٌ وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجَبَالِ بَيْوَتًا فَارِهِينَ﴾**؛ آیا شما تصور می‌کنید همیشه در نهایت امنیت در نعمتها‌یی که اینجاست می‌باشد در این باغ‌ها و چشم‌ها - در این زراعتها و نخلها‌یی که میوه‌هایش شیرین و رسیده است و از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشید و در آن به عیش و نوش می‌پردازید.^۶



البته اینها به عنوان اهداف میانی و بستری برای رشد انسان، در مقاطعی مطرح است؛

اما هرگز به عنوان هدف نهایی نیست.

بنابراین، عصر زندگی را در اهدافی چون عدالت اجتماعی خلاصه کردن و جامعه

انتظار

سال دوم، شماره سوم

آرمانی شیعه را در حد رفاه پایین آوردن، از مهم‌ترین اشکالات کتاب است. البته یکی از زمینه‌های تحقق هدف کلی، ایجاد حکومت حق و عدالت اجتماعی است؛ اما همین حکومت حق و عدالت اجتماعی، زمینه ساز رشد و فلاح و رویش انسان است. علامت این که رفاه لزوماً موجب رشد نیست، جامعه‌ی صدر اسلام است که در میان فشارها و گرسنگی‌ها، آدم‌های بزرگی را پرورش داد و در مقابل، جوامع امروزی چون سوئیس و سوئد و... است که با وجود آن همه رفاه و نبودن بسیاری از مشکلات، باز به رشد انسانیت نرسیده است؛ به تعبیر حضرت علی علیه السلام: «بین نشیه و معتله، همواره بین دستشویی و آشپزخانه»^۷ [می‌چرخند].

نشانه این پوچی و نرسیدن به انسانیت، آمار خودکشی همان جوامع [سوئیس و...] است و کمی تأمل در کمک‌های پی در پی آنان [به ویژه سوئیس] به رژیم خون‌آشام و غاصب اسرائیل و حمایت از جنایت‌های او، بهترین گواه ماست.

با این توضیح تفسیر روایت «بالمهدی... یخرج الذل الرق من اعناقكم؛ به دست مهدی، بندهای بردگی از گردن شما گشوده می‌شود». به بردگی ظاهری و استثمار کارگران و... و جامعه‌ی صنعتی و آن را هدف انبیاء شمردن، غفلت از برترین بندگی‌های قرآن، بسیار، آن را نکوهش می‌کند یعنی برده نفس و عادات و تقلیدها و تعصّب‌ها بودن، آری، پیامبران آمده‌اند تا انسان را از این بندها برهانند.

عصر زندگی، دوران آشنایی انسان با استعدادهای عظیم و سرشار خود است. این عصر، انسان را برتر از دنیا و حتی بهشت می‌داند و برای رسیدن به این مقصد بلند و تا قرب خدا، اضطرار به حجت و امام معصوم علیه السلام پیدا می‌کند. از این رو با او پیمان می‌بندد و بیعت می‌کند و با تمامی عاملان فساد، درگیر می‌شود چرا که بایستی خارها و سنگ‌های راه را از میان برداشت.

عصر زندگی از نگاه دین، خیلی فراتر از آن چیزی است که در این جا گفته شده است.

نظر

۲. تحلیل‌های یکسویه، ناقص و ناصواب

نویسنده محترم، در بخش‌های مختلف وقتی به اثبات مدعای خود می‌پردازد، به پیامدهای بحث و سؤالاتی که رخ می‌نماید توجهی ننموده و راهی برای حل آن‌ها ارائه نمی‌دهد:

۱. مسأله یأس و سرخوردگی

در آغاز کتاب، مشکل امروزی بشر، یأس و سرخوردگی دانسته شده و با ترسیم آینده فرا روی خواننده، او را به آینده امیدوار ساخته است؛ لکن درباره زندگی امروز او کمتر سخنی ارائه شده است. گاهی برای خواننده چنین تداعی می‌شود، که گویا نویسنده، تمام جریانات و حرکات شیعه را پس از حکومت علوی تا مهدوی، تخطیه می‌کند. این مطلب، توان حرکت و تلاش را می‌زداید و ناخودآگاه، یأس و نامیدی را به جامعه ترزیق می‌کند.

۲. شمشیر، آخرین علاج

در بحث سیف و شمشیر، این مطلب به خوبی تبیین نمی‌شود که شمشیر و خشونت زمانی است که چاره‌ای از آن نیست و پس از راهنمایی‌های زیاد و به عنوان آخرین راه حل است.

۳. برخورد با اغیانیا

به نظر می‌رسد در این کتاب تمام اغیانیا تخطیه شده‌اند. البته ممکن است افراد زیادی تن به فساد داده باشند؛ اما باز کلی نگری ورد همه، تحلیلی یک سویه است.

۴. فقر و تساوی

در بحث فقراء و مساوات، این نکته مغفول می‌ماند که مساوات به معنای تساوی دراعطاء نیست. بلکه هر کسی به قدر شایستگی‌ها و دست‌رنج خود، مزد می‌برد.